

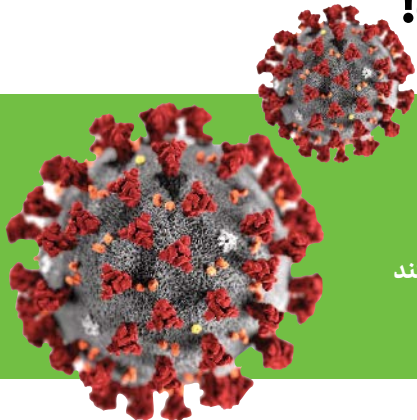


۱۴

خارش کف دست نشانه پول دار شدن نیست!

باهمه‌گیری بعدی چه کنیم؟

نگاهی به تجاری که از مقابله با کووید-۱۹ به دست آورده‌ایم و کمک می‌کند راهکارهای آمادگی در برابر همه‌گیری‌های بعدی را از امروز تدوین کنیم



نان سر سفره‌های خالی

زندگی

شنبه ۱۶ دی ۱۳۹۹ :: شماره ۵۸۴۷



۱۶

۱۳ جاذبه



info@amejamdaily.ir

روابط عمومی: ۰۲۲۲۶۱۴۷



#امتحانات_آنلاین
کیانی از تهران:

چرا روش برگزاری امتحانات آنلاین دانش آموزان به صورت مشخص و یکپارچه از سوی آموزش و پرورش مشخص نمی‌شود؟ این‌که هر مدرسه‌ای به طور سلیقه‌ای روشی را انتخاب کند، باعث شده است بعضی مدارس سختگیرانه و بعضی‌ها سهل‌گیرانه رفتار کنند؛ اتفاقی که باعث استرس دانش‌آموزان می‌شود و این نمرات می‌تواند در آینده درسی و انتخاب رشته‌شان تاثیرگذار باشد.



#سامانه_نوبت-دهی
شمس از تهران:

سامانه رسیدگی به ارباب رجوع‌های شعب خدمات الکترونیک قوه قضاییه بسیار طولانی و زمانبر است؛ در اولین ساعت از روز تعداد زیادی از مراجعه‌کننده‌ها پشت درهای بسته منتظرند تا شماره بگیرند و بعد از آن هم چندین ساعت طول می‌کشد تا نوبت به آنها برسند. چرا در چنین سیستمی، ارزشی برای وقت آدم‌ها قائل نیستیم؟



#معضل_آلودگی
شفیعی‌راد از تهران:

در شرایطی که هر روز آمار فوت شدگان کرونا را اعلام می‌کنیم، کسی به فکر کسانی که روزانه بر اثر آلودگی هوا می‌میرند، نیست. قرار نیست تصمیمی جدی و راهگشا برای این معضل همیشگی پایتخت گرفته شود؟



#کمبود_پارکینگ
ریبعی از تهران:

در منطقه میرداماد، واقعا کمبود جای پارک، تبدیل به معضلی بزرگ برای شاغلان سازمان‌ها و نهادهای آن محدوده شده است. ضمن این‌که پارک کردن تحت هر شرایطی در کوچه پس‌کوچه‌های این منطقه، برای ساکنان هم دردسرساز شده است. بهتر است با تأسیس پارکینگ عمومی و بزرگ در این منطقه مشکل حل شود.



#گرانی-بلیت
فتاح از اصفهان:

در شرایطی که نمی‌شود با خودروی شخصی از شهر خارج شد و جریمه می‌شویم، چرا قیمت بلیت هواپیما و قطار اضافه شده است؟ شاید کسی برای کاری ضروری مجبور به خروج از شهر است. چون نمی‌تواند از خودروی شخصی‌اش استفاده کند باید چنین هزینه‌های گزافی بپردازد؟



#نظارت_محدودیت
صدری‌زاده از تهران:

در بعضی از مناطق شهر، ساعت از ۹ شب که می‌گذرد، همچنان رستوران‌ها باز و عده زیادی از مردم در حال غذا خوردن هستند. نظارت و اعمال قانون با متخلفان محدودیت‌های کروپایی چگونه انجام می‌شود؟



میثم اسماعیلی

جامعه

«هوای آلوده» توصیف درستی از وضعیت هوای تهران نیست، تصاویر منتشر شده از وضعیت این شهر بیشتر شبیه اتاق گازی است به وسعت پایتخت، تعارفات پیشین هم در گفته‌های مسئولان کنار رفته، دلایل آلودگی هوای تهران که پیش از این تردد خودروها و جود موتورسیکلت‌ها و عبور کامیون‌ها عنوان می‌شد حالا به آشکاری استفاده از سوخت مازوت عنوان می‌شود. رئیس سازمان محیط زیست گفته، چون جایی برای انبار کردن مازوت نداریم آن را می‌سوزانیم، به تعبیری ریه شهروندان پایتخت شده است محل دپوی تازه سوخت روی دست مانده. شهر هم توان این همه آلودگی را دیگر ندارد. حالا سال‌های سال است که فراموش کرده‌ایم شهرسازی علم است و قاعده دارد. آنچه سکونت مردمان را تعیین می‌کند منابع آن منطقه است و حالا سال‌هاست که برای تهران منبعی نمانده که جمعیتش روز به روز بیشتر می‌شود، تراکم بالاتر می‌رود، خیابان‌ها و بزرگراه‌ها تنگ‌تر می‌شوند و جایی برای نفس کشیدن باقی نمی‌ماند که اگر هم بماند شهرسازی هستند که به اشتباه جلوی این تنفس باقی مانده را به سودای چندریال بیشتر می‌گیرند. حالا پس از سال‌ها کارشناسان این حوزه می‌گویند ساختمان‌سازی در غرب تهران از عجیب‌ترین اشتباه‌های شهرسازی است و یکی از دلایل مهم آلودگی هوای تهران را همین اشتباه محاسباتی می‌دانند. نه که در دیگر حوزه‌های شهرسازی اشتباه نداشتیم و همچنان نداریم، جایی که باید فضای سبز بسازیم نمی‌سازیم، چرا که صرفه اقتصادی ندارد و به جایش برج‌ها را بالا می‌بریم که صرفه دارد! آمارهای سال گذشته گواهی می‌دهد تنها در فاصله شش سال، ۵۷۵ برج، باغ‌های تهران را بلعیده است آن هم به صورت کاملاً قانونی؛ چرا که اگر هم قانونی وجود دارد برای پیشگیری از این اتفاق به راحتی قابل دور زدن است. نکته اینجاست که می‌دانیم معماری و طراحی شهر در بروز مشکلات زیست محیطی مانند آلودگی هوا چه تأثیری دارد و برای آن هم قانون وضع کرده‌ایم، اما هیچ‌گاه نظارتی بر حسن اجرای آن نداشتیم و با مصلحت‌اندیشی دست ناکارشناسانی را برای گسترش بی‌رویه و اشتباه شهرسازی باز گذاشتیم.

چطور یک شهر می‌تواند باعث کاهش آلودگی هوا شود؟ چه مؤلفه‌هایی بیشترین تأثیر را در میزان آلودگی آن به همراه دارد؟ بلند مرتبه‌سازی، فضای سبز، ایجاد دریاچه‌های مصنوعی، ایجاد بزرگراه، ناوگان حمل و نقل عمومی و لزوم تمرکززایی همه از مؤلفه‌های مهم در نقش شهرسازی روی وضعیت زیستی شهروندان است. چقدر این مؤلفه‌های مؤثر از این گفته معطوف به نوع نگاه کلان به این موضوع است. او به جام جم می‌گوید: «همه اینها بازیگر در طرح‌های بالادست مصوبی که از وزارت مسکن و شهرسازی خارج می‌شود. به نوعی این وزارتخانه متولی برنامه‌ریزی آلودگی هواست. این نوع برنامه‌هاست که باعث فشار جمعیت روی محیط طبیعی پیرامون مان می‌شود و حاصل آن آلودگی وحشتناک هواست.»

به باور او این نوع برنامه‌ریزی منجر به حذف منابع طبیعی و جایگزین کردن توده‌های دست‌ساز بشری به جای آن است. به شکلی دیگر این نظرات در گفته‌های الهام امینی هم وجود دارد. این کارشناس حوزه شهرسازی هم به جام جم می‌گوید: «در بهبود کیفیت هوای شهرها یک سری متغیرهایی وجود دارد که انسان ساخت است. این متغیر به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در کاهش یا افزایش آلودگی هوا نقش دارد. این متغیرها حتی می‌تواند در انتخاب سبک زندگی شهروندان مؤثر باشند. آنها باید انتخاب کنند که در این شرایط در جایی مثل تهران شرایط پایداری را انتخاب کنند یا ذوب شوند در تحمیل آنچه شهرها وارد می‌کنند. مصداق آشکار این مؤلفه‌های انسان ساز شهری در شهری مثل تهران بحث «دسترسی» به عنوان کیفیت ارتباطات است. مساله دیگر بحث تراکم و در نهایت مؤلفه الگوی کاربری زمین است.»

نقش تزیینی محیط زیست در قانون

مؤلفه‌های مؤثر در آلودگی‌های زیست محیطی شهری مشخص است. سؤال بدیهی این است که چرا اجرا نمی‌شود؟ در این زمینه آیا قانونی برای تخلفات احتمالی وجود دارد؟ و اگر وجود دارد، چرا اجرا نمی‌شود؟ ماده ۲۱ قانون هوای پاک، وزارت راه و شهرسازی را موظف می‌کند تا هنگام تهیه طرح‌های جامع و تفصیلی شهرک‌ها و شهرهای جدید و طرح‌های هادی روستایی با توسعه این مناطق، به نحوی برنامه‌ریزی کنند که فصل جداگانه‌ای از مطالعات طرح به بررسی مسائل زیست محیطی اختصاص یابد. اما مهرداد مال‌عزیزی با قطعیت به جام جم می‌گوید این قوانین و چهی تزیینی دارد. او ادامه می‌دهد: «به جسارت عرض می‌کنم که اساسا ملاحظات محیط‌زیستی در برنامه‌های بالادست تشریفاتی است.» برای اثبات تشریفاتی بودن قوانین و ملاحظات محیط‌زیستی در

برنامه‌های بالادست باید به مسکوت ماندن طرح آمایش سرزمین اشاره کنیم. طرحی که نزدیک به چهار دهه از تصویب آن می‌گذرد و طی همه این سال‌ها اراده‌ای برای اجرای آن نیست. طرحی که به گفته این کارشناس شهرسازی «کلان اندیش» است. مال‌عزیزی می‌گوید: «هر سرزمین واقلیمی برای خودش یک ظرفیتی از نظر جمعیت‌پذیری می‌طلبد. این ظرفیت مبتنی بر منابع است. یعنی مبتنی بر کشت و آب آشامیدنی است. مبتنی بر عرصه‌های قابل ساخت و ساز است وقتی این برنامه‌ها اجرا نمی‌شود نمی‌توانیم انتظاری جز وضعیت کنونی را داشته باشیم.» بر اساس همان طرح‌ها شهر تهران حتی تا ۲۰ سال آینده نباید جمعیتی بیشتر از پنج میلیون نفر داشته باشد اما حالا ۱۲ میلیون جمعیت بر سر این شهر آوار شده‌اند. همین است که این کارشناس شهرسازی می‌گوید: «وقتی این بارگذاری جمعیت به شدت افزایش پیدا می‌کند دیگر

سوداگران شهرها و شهروندان قربانی

از مهرداد مال‌عزیزی می‌پرسیم. چرا با وجود قوانین بی‌شمار در زمینه شهرسازی و حتی فهم آشکار تأثیرات شهرسازی در آلودگی هوا چرا قوانین اجرا نمی‌شود؟ آن هم در حالی که می‌دانیم ما الگوهای مهندسی فوق‌العاده‌ای در تاریخ مهندسی این سرزمین داشتیم. حتی در روستاها وقتی جمعیت افزایش پیدا می‌کرد جای روستا را تغییر نمی‌دادند بلکه جمعیت مازاد می‌رفت و در عرصه دیگری مستقر می‌شد و باعث شکل گرفتن روستای علیا و سفلی می‌شد. این مهاجرت به عرصه‌های دیگر روستا به درستی مبتنی بر منابع بود؛ اما عجیب است که از فهم چنین مساله‌ای برای شهرسازی عاجزیم. حرف این است که وقتی چنین فهمی وجود دارد چرا اجرا نمی‌شود؟ مهرداد مال‌عزیزی می‌گوید: «به دلیل سوداگری‌ها. همه طرح‌های مابوی سوداگری می‌دهد. کمیسیون ماده ۱۰۰ یعنی چه؟ یعنی سوداگری. یعنی وقتی نمی‌توانید مشکلی را حل کنید پول بدهید و آن را حل کنید.» به گفته او الگوی کشورهای دانمارک و هلند به عنوان کشورهای پیشرو در برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی تماما از شهرسازی باستانی ایرانی گرفته شده‌است. یکی از این الگوها مبحث جالبی با عنوان «عرصه‌گشایی» است. بحثی که مدت‌هاست در عرصه شهرسازی ما به همان دلایل سوداگری فراموش شده‌است. این کارشناس شهری می‌گوید: «هنوز مدیری نیامده که جرات عرصه‌گشایی داشته باشد همه آمده‌اند توده‌گذاری کرده‌اند، چرا که این توده‌گذاری تا دل‌تان بخواهد سوداگری دارد. عرصه‌گشایی یعنی زدودن این آلودگی، یعنی همان خودپالایی که تراکم بالا مانع آن شده است. یعنی عریض شدن خیابان‌ها و معابر، یعنی ساخت میدان‌هایی همچون نقش جهان اصفهان. وقتی عرصه‌ها باز می‌شوند آدم‌ها راحت‌تر می‌توانند زندگی کنند. حال‌شان بهتر می‌شود و میزان تردها کاهش پیدا می‌کند و نیازی به این همه اتوبان‌هایی که روی هم سوار شده‌اند نخواهد بود.»

ملاحظات محیط‌زیستی یعنی تشریفات.»

۴۰۰ تکه نان برای ۴۰۰ نفر

درحالی چند دهه از بی‌توجهی به طرح آمایش سرزمین می‌گذرد که بدانیم نتیجه آشکار آن تمرکززایی است؛ همان مولفه‌ای که به باور کارشناسان تأثیر مهمی در آلودگی هوای تهران دارد. راهکار این تمرکززایی هم مصداق همان از چاله به چاه است. آن‌طور که مال‌عزیزی می‌گوید برای حل این مشکل تصمیمی گرفته شده‌است که فاجعه پیش رو را شدیدتر می‌کند. او می‌افزاید: «راهکار تمرکززدایی از تهران هم به فاجعه منجر می‌شود. تشکیل شهرک‌های اقماری اطراف پایتخت همچون هشتگرد و پرند و پردیس هم بدون در نظر گرفتن این ظرفیت‌پذیری شکل گرفته‌است، به این مفهوم که منابع آبی شهری مثل پرند و هشتگرد فاجعه‌است.» برای فهم اتفاقی که به عنوان راهکار شکل گرفته او مثالی جالب می‌زند. به گفته این کارشناس شهرسازی، در سفره‌ای که چهار تکه نان وجود دارد باید چهار نفر بنشینند؛ اما کاری که صورت گرفته حالا ۴۰۰ نفر را پای سفره نشانده‌است.

مدیریت حزب محور به جای شهروند محور

حرف‌های کارشناسان حوزه شهرسازی نشان از حجم شگفتی از بی‌تدبیری‌ها در این حوزه دارد که ناپاورانه است. تصمیماتی که باید برای محافظت از شهروندان در برابر معضلاتی همچون آلودگی هوا اجرا می‌شد و هیچ وقت نشد. الهام امینی معتقد است شهروندان به نوعی در زندگی شهری حق انتخابی ندارند. به باور او، حتی در صورت انتخاب یک سبک زندگی که می‌تواند منجر به کاهش آلودگی هوا شود، زیرساختی وجود ندارد. او به ما می‌گوید: «در بحث کیفیت ارتباطات نیاز به زیرساخت‌ها وجود دارد، به این مفهوم که انتخاب شما برای تردد با دوچرخه وقتی توجیهی دارد که زیرساخت این کار توسط مدیران محلی با فرامحلی ایجاد شده باشد. در سطحی کلا نتر همان قضیه وضعیت ناوگان حمل و نقل عمومی است، به این مفهوم که ما برای حل آلودگی هوا مدام شهروندان را تشویق به استفاده از ناوگان حمل و نقل عمومی می‌کنیم اما کوچک‌ترین توجیهی به تجهیز و نوسازی آن نداریم. نگاه مدیران شهری هم سرشار از بی‌توجهی به این مولفه‌هاست. تأکید شهردار پیشین بر ساخت بزرگراه‌های دو طبقه و اتوبان‌های پایپی مثال آشکار چنین نگاهی است.» اما چرا ما نتوانستیم فضاهای سازگار با محیط زیست و مطلوب شهروند را ایجاد کنیم که باعث رضایتمندی شهروندان از زندگی در آن شهر باشد؟ پاسخ الهام امینی به ما این است: «چون که مدیریت در این سرزمین بیش از آن که مبنایی علمی داشته باشد سلیقه‌ای است. مدیریت شهری در این سرزمین بیشتر یک مدیریت جناحی و حزبی و سیاست‌محور است تا شهروند محور.»

برج‌ها و بادها

وضعیت آلودگی هوای تهران بدتر از همیشه است؛ این‌که دیگر تعارفی در اعتراف به بلایی که بر سر شهروندان آورده می‌شود وجود ندارد ماجرا را ترسناک‌تر کرده است. همین ماجرا در قصه شهرسازی و نقش آن در آلودگی هوای تهران هم صدق می‌کند. سال‌های سال شهروندان مقصران اصلی این وضعیت بودند در حالی که در همه این سال‌ها این نوع نگاه اشتباه برنامه‌ریزی شهری بوده است که شهروندان را قربانی می‌کرده است. بنزین بی‌کیفیت، سوداگری شرکت‌های خودرو ساز و عدم رعایت ملاحظات محیط‌زیستی از سوی آنها، حجم بالای خودروها و بی‌شمار موتورسیکلت آلاینده هوا و سوخت نامناسب کارخانه‌های اطراف تهران همه و همه دلایل اصلی آلودگی هوای پایتخت بوده‌اند اما کسی از سهم بالای نوع شهرسازی در این آلودگی حرفی نمی‌زند. اشتباه‌ها در شیوه شهرسازی حالا عیان‌تر از آن است که نخواهیم آن را در فهرست مقصران آلودگی قرار ندهیم، ساخت دریاچه خلیج فارس و ساختمان‌های متراکم اطراف آن، پل صدر و بزرگراه‌هایی در مرکز تهران از جمله اشتباه‌هایی است که در سایه ماندگاری ذرات آلاینده در خیابان‌های تهران کمک می‌کنند و مهم‌تر این‌که این اشتباه‌ها مملک حالا نه تنها گزافی را بر جان شهروندان تهرانی گذاشته است. حتی تحقیقات سازمان هواشناسی کشور هم نشان می‌دهد ساختمان‌ها در آلودگی هوا تأثیر دارند، چرا که ارتفاع جریان‌ات باد محلی بیشتر از ۱۰ تا ۱۰۰ متر نیست و به همین خاطر وقتی قرار است بلندمرتبه‌سازی کنیم نیاز است قبل از آن مطالعات مربوط به هواشناسی شهری را انجام دهیم و بدانیم که به چه نوع و چه شیوه‌ای ساختمان‌ها را طراحی و چیدمان کنیم تا روی تهویه طبیعی اثر منفی نگذارد.



برخی تحقیقات علمی در تهران هم تأیید می‌کنند بلندمرتبه‌سازی در غرب تهران با کاهش کیفیت هوای تهران ارتباط معناداری دارد. در یکی از مطالعات علمی انجام شده در سال ۱۳۹۵ که نتایج آن در پنجمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی منتشر شد، نویسندگان توانستند پس از بررسی اقلیم و توپوگرافی شهر تهران را به عنوان نمونه موردی، اثبات کنند ساختمان‌های بلندمرتبه در غرب تهران بسته شدن کریدورهای باد در تهران دارای ارتباط با یکدیگرند. این مطالعه با بررسی نقش فرم و جانمایی ساختمان‌های غرب تهران و ارتباط آنان بر تمرکز یا پخش آلاینده‌های هوا با توجه به اقلیم و توپوگرافی شهر تهران، به تأثیر عوامل ساکن در شهر یعنی ساختمان‌ها بر آلودگی هوا پرداخته و این اثرگذاری را اثبات کرده‌است.